**هویت بخشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه (عراق، فلسطین، لبنان و یمن)**

**میلاد پهلوان منگودهی**

**دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه گیلان**

**Miladpahlavan75@gmail.com**

**حسن بازدار**

**دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه گیلان**

**h.bazdar2014@gmail.com**

**چکیده**

**با وقوع انقلاب اسلامی پارادایم سیاست خارجی ایران از یک رژیم پادشاهی محافظ کار به یک جمهوری انقلابی با ایدیولوژی اسلام شیعی تغییر یافت. جمهوری اسلامی از همان بدو شروع کار خود در منطقه، اصول سیاست خارجی خود را مبتنی بر یکسری از باورها و ارزش های اسلامی ترسیم کرده بود. از اصول اعلانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نفی سلطه گری و حمایت از مستضعفان و مسلمانان بوده است که بر گرفته از ارزش های شیعی و اسلامی است. در این اصول سیاست خارجی مذکور جایگاه مسلمانان و شیعیان در منطقه و وضعیت نامطلوب و نامساعد آنان برای ایران اهمیت بالایی برخوردار بوده است. هدف: بررسی و تحلیل تاثیر منابع هویتی شیعه در دستگاه سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه به ویژه در چهار کشور عراق، فلسطین، لبنان و یمن است. روش شناسی: برای بررسی پژوهش از چارچوب نظری سازه انگاری الکساندر ونت و از روش توصیفی- تحلیلی و گردآوری داده ها به شیوه کتابخانه ای و اینترنتی استفاده شده است. یافته: هویت اسلامی و شیعی در هویت بخشی به جنبش های اسلامی در کشورهای عراق، فلسطین، لبنان و یمن نقش بسزایی داشته است. نتیجه: هویت اسلامی و شیعی ایران با دگر هویت های بازیگران معارض آمریکا و عربستان در چهار کشور فوق مواجه شده است.**

**کلید واژه: هویت، جمهوری اسلامی ایران، خاورمیانه، سازه انگاری**

**مقدمه**

**با وقوع انقلاب اسلامی پارادایم سیاست خارجی ایران از یک رژیم پادشاهی محافظ کار به یک جمهوری انقلابی با ایدیولوژی اسلام شیعی تغییر یافت. جمهوری اسلامی ایران انقلاب خویش را یک انقلاب فراملی و فرامرزی تعریف کرده بود. از همان بدو شروع کار خود در منطقه، اصول سیاست خارجی خود را مبتنی بر یکسری از باورها و ارزش های اسلامی ترسیم کرده بود، این در حالی بود که پیش از انقلاب، ارزش ها و آموزه های دینی جایی در سیاست خارجی ایران نداشته و اصول سیاست خارجی ایران در راستای سیاست بلوک غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا دنبال می شد، اما پس از انقلاب اسلامی منابع هویتی شیعه در هویت سازی نظام سیاسی جمهوری اسلامی تاثیر گذار بوده است. از اصول اعلانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نفی سلطه گری سلطه پذیری و حمایت از مستضعفان و مسلمانان بوده است. در این اصول سیاست خارجی مذکور جایگاه مسلمانان و شیعیان در منطقه و وضعیت نامطلوب و نامساعد آنان برای ایران اهمیت بالایی برخوردار بوده است.**

**هویت جدیدی که جمهوری اسلامی ایران برای خود و منطقه ترسیم کرده بود از همان ابتدا مدنظر جریانات اسلام گرا در عراق، فلسطین، لبنان و یمن قرار گرفته شد. بسیاری از جنبش‌های حاضر در منطقه مانند حماس، حزب‌الله و انصارالله یمن تحت تأثیر هویت جمهوری اسلامی شکل گرفته اند و در بیداری آنان موثر بوده است که ضرورت دارد مورد بحث و بررسی قرار بگیرد هدف پژوهش بررسی و تحلیل تاثیر منابع هویتی شیعه در دستگاه سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه به ویژه در چهار کشور عراق، فلسطین، لبنان و یمن است. . سوال پژوهش این است که هویتی شیعه چه تاثیری در دستگاه سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و به طور ویژه در چهار کشور عراق، فلسطین، لبنان و یمن گذاشته است؟ فرضیه پژوهش نشان می دهد هویت اسلامی و شیعی در هویت بخشی به جنبش های اسلامی در کشورهای عراق، فلسطین، لبنان و یمن نقش بسزایی داشته است و در نتیجه هویت اسلامی و شیعی ایران با دگر هویت های بازیگران معارض آمریکا و عربستان در چهار کشور مزکور مواجه شده است.**

**چارچوب نظری**

**سازه انگاری:**

**سازه انگاری به عنوان یک فرانظریه در حوزه روابط بین الملل مورد توجه است که از حیطه مطالعاتی جامعه شناسی و اندیشه سیاسی در غرب نشأت گرفته شده است. از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ سازه انگاری به یکی از اصلی ترین تئوری های روابط بین الملل مبدل گشت. در سازه انگاری منافع محصول روابط فی مابین است و روابط میان دولت ها با یک دیگر بر اساس معنایی می باشد که برای هم قائل می باشند(مجتهدی و عیوضی، ۱۳۹۷: ۱۸۲-۱۸۱). دولت‌ها هویتی را ایجاد می کنند که منافع آنها را تعیین می کند و هویت را به صورت رابطه ای شکل می دهند بنابراین منافع آنها متعاقباً نسبی است .(waicaksana, 2009)**

**سازه انگاري بيشتر يك رهيافت می باشد كه خود از تركيب ساير رويكردها شکل مي گیرد و سعی دارد به نحوي نارسايي ها و كاستي هاي نظريه هاي گوناگون را با بهره گيري از برخي از گزاره هاي خود آن ها، برطرف نماید و تصوير واقعي تر از الگوهاي رفتاري سياست بين الملل به دست دهد سازه‌انگاري در چارچوب يك معرفت شناسي و هستي شناسي خاص به درك جديدي از واقعيت مي رسد و با برهم ریختن مرز ميان برساخته و واقعيت عيني از يك سو و واقعيت و ارزش از طرف ديگر شيوه هاي تحليلي نوینی ارائه مي دهد(علمداری و راسخی، ۱۳۸۹: ۱۸۴).**

**سازه انگاران جهان را به مثابه برساخته اجتماعی می بینند. برساخته شده به این معنا که سازه انگاران جهان را در حال شدن برساخته شده از طریق فرایند تعامل میان کارگزاران افراد ، دولت ها و محیط گسترده شان متصوراند(اسمیت و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۰). هنجارها در اصل شكل دهندة منافع و هويت بازيگران اند. از نظر ونت، بالاترين درجه همكاري نيز درسطح اخير از دروني سازي هنجارها در ميان دولت ها رخ می دهد كه مختص حاكم شدن فرهنگ آنارشي كانتي در سيستم بين الملل می باشد. با توجه به این پاسخ به اين سوال كه چرا دولت هابه صورت تضادآميز و يا احياناً همكاري جويانه در قبال يكديگر رفتار مي كنند و يك ديگـر را دشمن، رقيب، يا دوست فرض مي كنند؟ نيز برگرفته از كردارهاي اجتماعي می باشد كه به واسطة آن به تعريف خود و ديگري مي پردازند(دانش نیا، ۱۳۹۴: ۷۲).**

**الکساندر ونت سازه انگاری را ایده السیم ساختار دانسته که بعد ایده آلیستی به این شکل است که ساختارهای اجتماعی حاصل انگاره های مشترک انسانی است و بعد ساختاری آن هم به این معنی که نهادها و قواعد مستقر دارای سرشتی عینی و محدود کننده برای بازیگران می باشد(متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۴). هویت یکی از مباحث مهم در سطح هستی شناسی برای سازه انگاران است، از نگاه سازه انگاری هویت امری اجتماعی است یعنی در ساختن خود، دیگری هم ساخته می شود و می توان گفت هویت سیال می باشد به همین دلیل از نگاه سازه انگاری، برداشت کنش‌گران از خود، منافع و اهداف آن ها تغییر پذیر می باشد و به دنبال شکل گیری یک هویت تازه منافع جدیدی برای دولت مطرح می شود(معینی علمداری و راسخی، ۱۳۸۹: ۱۹۲).**

**در حوزه سیاست خارجی، سياست خارجي يك كشور متشکل از رويه هاي گفتماني و غيرگفتماني آن، نقش تعيين كننده اي در جايگاه آن كشور در نظام بين الملل و الگوهاي دوستي و دشمني با آن دارد. از طرف ديگر، تصميم گيري كنشگران در سياست بين الملل بر اين مبنا می باشد كه جهان را چگونه تفسير كرده و نقش خود را در آن چگونه تصور مي كنند(علمداری و راسخی، ۱۳۸۹: ۲۰۰). در حیطه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هم باید منابع هویتی در نظر گرفته شوند تا درک کنیم که در نگاه جمهوری اسلامی ایران دوستان و دشمنان چه کسانی هستند و منافع چه اموری اندو تهدیدات چه عناصری اند و فرصت ها چه مواردی را متشکل می شوند(متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۲۳).**

**پیشینه پژوهش**

**در ارتباط بین هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آثار هایی نوشته شده است که به چند مورد از آنها اشاره می شود. یاقوتی در مقاله ای به تأثیر مولفه های هویتی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تاکید کرده، و به واکاوی رفتار هویتی ایران در برابر آمریکا و اسرائیل در حوزه سیاست خارجی پرداخته است (یاقوتی، ۱۳۹۰).**

**صادقی در مقاله ای به این موضوع اشاره کرده که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ریشه در ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی دارد و عناصر هویتی همچنان تداوم یافته و تغییری با وجود تغییر و تحول دولت ها صورت نپذیرفته است (صادقی، ۱۳۹۳).**

**سازمند و ترک تبریزی در مقاله ای به تأثیر ارزش های هویتی اسلامی و انقلابی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در دولت اصول گرایی عدالت محور دولت نهم تاکید می کنند ( سازمند و ترک تبریزی، ۱۳۹۱).**

**آثار فوق بر نقش و تاثیر مولفه‌های هویتی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده اند، اما به هویت بخشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه و بیداری جنبش ها و جریانات اسلامی اشاره نشده است. در پژوهش حاضر درصدد است به هویت بخشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار کشور عراق، فلسطین، لبنان و یمن و به دگر هویت های عربستان و آمریکا در چهار کشور مزبور بررسی کند.**

**روش پژوهش**

**روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از چارچوب نظری سازه انگاری و با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی به بررسی و تحلیل تاثیر منابع هویتی شیعه در دستگاه سیاست گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه به ویژه در چهار کشور عراق، فلسطین، لبنان و یمن پرداخته است.**

**هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه**

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اصول ثابت و پایداری استوار می‌باشد که در عرصه بین‌المللی چراغ راه رفتار و کنش سیاست خارجی قرار می‌گیرند. این اصول دربرگیرنده‌ باورها و اعتقادات جمهوری اسلامی در مورد واقعیت‌ها، علیت ها و صحت عمل و رفتار در حوزه تعاملات و نظام بین‌المللی می باشد. با توجه به ماهیت و هویت نظام جمهوری اسلامی ایران، اصول سیاست آن از دین اسلام به‌طور خاص‌تر از مذهب شیعه و ایدئولوژی اسلامی سرچشمه می‌گیرد (دهقانی فیروزآبادی، 130:1395). به بیان دیگر، ارزش‌های اسلامی شیعی تأثیر عمده‌ای بر سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه داشته‌است (Anoosheh, 2019:34). اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی در کتاب، سنت، سیره معصومین و شیوه حکومتی آنان به خصوص حکومت نبوی و علوی ریشه دارد. با توجه به اسناد رسمی، به‌طور خاص قانون اساسی کشورمان، بیانات امام‌خمینی(ره) و عملکرد رفتاری جمهوری اسلامی، اصول سیاست خارجی ایران عبارت‌اند: نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، استکبار زدایی، حمایت از مستضعفان و محرومان، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، حمایت و دفاع از حقوق مسلم مسلمانان جهان، همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح‌طلبی، عدم مداخله در امور داخلی کشورها و احترام متقابل تعهد به معاهدات و قراردادها و قوانین بین‌المللی( دهقانی فیروزآبادی، 130: 1395).

کانونی‌ترین و مهم‌ترین اصل هدایت‌کننده سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کوشش جهت صدور الگوی اسلام سیاسی شیعی است که رکن اصلی هویت مسلط تلقی می‌شود. بقای هویت جمهوری اسلامی و به تبع آن امنیت نظام جمهوری اسلامی وابسته به وجود حکومت اسلامی است. سیاست صدور انقلاب در اصل صدورهویت مسلط برآمده از دل انقلاب اسلامی می باشد. جمهوری اسلامی ایران نیز در معرض و صدور الگوی حکومت خود دارای یک رسالت جهانی می باشد(قهرمانپور،1394؛218-217). دراین‌باره نیز امام‌خمینی(ره) به جهان‌شمول بودن دین اسلام و صدور آن به سایر نقاط جهان باور عمیق داشتند(رمضانی،1380؛64).

از بنیادین‌ترین سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته پشتیبانی از جنبش‌های آزادی‌بخش در خاورمیانه بوده‌است(Ataie, 2012) . این جنبش ها به‌نحوی طرفدار اسلام سیاسی بوده‌اند. اعم از جنبش‌های ایجاد شده توسط شیعیان یا سنی‌ها. از تونس گرفته تا مصر، لبنان، سوریه، ترکیه و عربستان‌سعودی، عراق ،افغانستان و.... ایران خود را موظف کرده بود تا از این جنبش‌ها پشتیبانی نماید. این در حالی بود که غرب در دهه‌های اخیر این سیاست را حمایت از گروه‌های تروریستی تلقی نموده و بر تهران فشار آورده تا آن را کنار نهد، اما جمهوری اسلامی ایران از سیاست مزبور عقب‌نشینی نکرده و کماکان با قدرت به آن ادامه داده است(قهرمانپور،1394؛218).

**هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در عراق**

عراق کشوری عربی است که ۹۷ درصد از جمعیت آن مسلمان اند، ۶۷ درصد شیعه و ۳۰ درصد سنی هستند .شیعیان عمدتاً در مرکز و جنوب عراق سکونت دارند و سنی‌ها در شمال و غرب کشور حضور دارندHaghi & other, 2019: 164)).این کشور به دلیل دارا بودن ویژگی‌های مذهبی، قومی و فرهنگی نقطه عطف ایران در منطقه و جهان عرب به شمار می‌آید. بلاشک یکی از مباحث اصلی و کانونی در منطقه گرایش‌های هویتی در عراق می باشد که برامنیت ایران تاثیرگذار است. در عراق به دلیل فقدان هویت ملی چندان قدرتمند ،هر طیف به‌دنبال تحقق خواسته و اهداف خود است(فتاحی،ازغندی و طاهری،1396؛63). این امر موجب درگیری و نزاع طیف‌های مختلف با هویت گوناگون با یکدیگر شده‌است.

انقلاب اسلامی 1357و جدید بودن هویت جمهوری اسلامی در منطقه به نفع هویت جمهوری اسلامی تمام شد. دهه ۱۹۸۰ محبوبیت رهبران چپ‌گرا و ناسیونالیست در جهان عرب کاهش یافت و لذا نوعی خلأ در ساحت مبارزه سیاسی و هویت جدید پدید آمد و اسلام سیاسی توانست از این خلأ به نفع گسترش و تحکیم موقعیت خود بهره‌برداری کند. استقبال از انقلاب اسلامی در جهان عرب و به‌طور خاص در نزد شیعیان قابل‌توجه بود، تا جایی‌که پندار از تهدید صدام ناشی از وقوع یک انقلاب اسلامی دیگر در عراق یکی از دلایل حمله وی به ایران بود(قهرمانپور،1394؛214). شیعیان عراقی در دوران حکومت حزب بعث صدام از هیچ حقوقی برخوردار نبودند و به‌شدت توسط حکومت سرکوب می‌شدند. بااین‌وجود با حمله نظامی ایالات‌متحده به عراق و ساقط شدن صدام در سال 200۳ موجب شد شیعیان در ساختار سیاسی جدید قدرت آنان افزایش یابد. همین امر فرصت بی‌نظیری برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نمود تا نفوذ خود را نه‌تنها در عراق جدید، بلکه در جهان عرب افزایش دهدDarvishi setalani & Vagankhah, 2018)). از منظر سازه‌انگاری عراق جدید فرصت بی‌نظیری برای هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران فراهم نمود. انقلاب اسلامی و ارزش‌های هویتی آن از همان ابتدا مدنظر جریانات شیعه در این کشور قرار گرفت. و آنان با هویت جمهوری اسلامی در منطقه ارتباط برقرار نمودند. دراین‌راستا تقویت جایگاه شیعیان در ساختار سیاسی عراق از جمله اهداف اساسی و راهبردی جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته بوده‌است. به نحوی که ایران از جریانات شیعه عراقی از جمله لشکر بسیج حشدالشعبی، گروه حکیم. با این‌وجود برخی جریانات مخالف هویت ایران در عراق چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی و شیعیان در این کشور ایجاد کرده‌است. حضور نظامی و مداخله سیاسی ایالات‌متحده در عراق، تجزیه‌طلبی کردهای عراقی و جریانات تکفیری به‌طور خاص داعش دگر هویتی جمهوری اسلامی در عراق هستند.

**هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در یمن**

یمن کشوری عربی و مسلمان در جنوب غربی آسیا و در جنوب شبه‌جزیره عربستان می باشد . شیعیان زیدی در سنی‌های شافعی مهم‌ترین فرقه‌ مذهبی این کشور هستند. ۳۵ درصد از جمعیت یمن را شیعیان زیدیه تشکیل داده‌اند(54:2020،Hernadez & Donnelly ). آنان در استان شمالی یمن و در مجاورت عربستان سعودی سکونت دارند، آنان از بعد فکری و ایدئولوژی متأثر از انقلاب اسلامی می باشند. عربستان از همان ابتدا به‌شدت نگران این‌موضوع بود و با نگرانی تحولات در یمن را رصد می‌کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز پس‌از شروع کار خود با توجه به حضور شیعیان در یمن تمایل خویش را بارها جهت همکاری ابراز نموده بود؛ اما به دلیل نفوذ و فشار سیاسی عربستان سعودی بر حکومت یمن این امر چندان تحقق نشد. در جریان اعتراضات مردم علیه حکومت علی عبدالله صالح و منصور هادی، حوثی‌ها نقش پررنگی ایفا کرده بودند. آنان بارها مداخله سیاسی عربستان را در یمن محکوم نموده‌اند. در دسامبر 2014، حووثی ها موفق شدند صنعا پایتخت یمن را به کنترل خود درآورند. منصور هادی رییس‌جمهور یمن ناتوان در مقابله باحوثی ها بود و به عربستان فرار کرد و از مقامات سعودی درخواست کمک نمود(2018،Gimenz Cerioli). مقامات دولتی و امنیتی سعودی که از همان ابتدا نگران از رفتار حوثی‌ها بودند چراکه از نگاه آنان حوثی‌ها نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی ایران در یمن هستند. به‌همین دلیل عربستان و متحدان این کشور در پشتیبانی از منصور هادی به یمن حمله کردند (76:2015،Huwaidin).

درکل از منظر سازه‌انگاری اشتراکات مذهبی و ایدئولوژی جمهوری اسلامی ایران و حوثی‌ها فرصت بی‌نظیری برای هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در یمن فراهم کرده‌است. آنان بر ایاس منابع هویتی شیعه به حمایت معنوی و سیاسی از حوثی ها در برابر تجاوز عربستان و متحدان این کشور اقدام نموده‌است.

**هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در فلسطین**

**حماس یک جنبش اسلام گرا قدرتمند در فلسطین است که از نظر ایدئولوژی متاثر از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران می باشد. حماس نام اختصاری «حرکة المقاومة الاسلامیه» است که شش روز پس از آغاز انتفاضه اول فلسطین در ۹ دسامبر ۱۹۸۷ به عنوان شاخه‌ای از جنبش اخوان المسلمین، توسط شیخ احمد یاسین شکل گرفت. دلیل تأسیس این جنبش مزبور شکست الگوهای چپ غیر مذهبی در بسیج اجتماعی و مبارزه چریکی علیه رژیم صهیونیستی به ویژه در مناطق اشغالی سال ۱۹۶۷ و همچنین افول وجهه ناسیونالیستی فتح و تشدید سیاست‌های سرکوب گرانه اسرائیل در سرزمین های اشغالی بود (فوزی و بخشی، ۱۳۹۵: ۱۰۰). امام خمینی (ره) در مصاحبه ای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اعلام کرده بود که ما از جنبش های آزادی بخش فلسطین حمایت می کنیم(Thomson, 2012). پس از انقلاب اسلامی حمایت از مردم فلسطین از اصول راهبردی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه در برابر اسرائیل بود و از بدو شکل گیری جنبش حماس، جمهوری اسلامی ایران به حمایت خود ادامه داده است(Ataie, 2021).**

**هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در لبنان**

**از جنبش های سیاسی - نظامی و شیعی مذهب در لبنان حزب الله می باشد که در اوایل سالهای دهه ۱۹۸۰ میلادی وتحت تاثیر ایدئولوژی اسلام سیاسی شیعه و متاثر از انقلاب اسلامی ظهور کرد. انتخاب عنوان حزب الله از سوی رهبری این حزب، از یک سمت نشان گر هویت گسترده‌ای بوده که حزب به دنبال آن می باشد و از جهتی دگر، نشانی از تفکر انترناسیونالیستی اسلامی حزب الله یا همان امت اسلامی به جای مفهوم غربی دولت - ملت می‌باشد (حقیقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۹ - ۴۸). حزب‌الله لبنان ثمره‌ی شرایط خاص تاریخی می باشد، هم در عرصه داخلی و هم در عرصه منطقه ای که در لبنان شکل گرفته بود. به گونه ای که تحرکات تل آویو در محیط مرزهای این کشور و تنوعات قومی و مذهبی گسترده در لبنان موجب روی کار آمدن جنبش هایی نظیر حزب‌الله شده بود. حزب‌الله محصول مبارزات جنبش امل در فاصله زمانی طولانی بود که بعدها به شکل مستقل در قالب جنبش حزب‌الله درآمد و در ادامه مسیر نقش بازیگر کانونی در مبارزه با رژیم صهیونسیتی و حفظ نهضت مقاومت بر عهده دارد (ترکی و ستوده آرایی، ۱۳۹۸: ۶۶). جنبش حزب‌الله لبنان تبلور عینی انقلاب اسلامی ایران در لبنان بشمار می آید. در این خصوص می توان گفت، اگرچه رهبران جنبش امل علاقه و توجه چندانی به گفتمان انقلاب اسلامی نشان نمی دادند؛ اما رهبران جنبش حزب‌الله لبنان بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفته بودند (حقیقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۰-۴۹). از دلایل نزدیک بودن ایدئولوژي اسلامی شیعی حزب الله لبنان با جمهوري اسلامی ایران و به تبع مبانی و نگرش سیاسی این جنبش نیز بالاترین سطح مشابهت را با جمهوري اسلامی ایران دارا می باشد. این موضوع در صورتی است که اقدامات حزب الله در لبنان و عرصه مقابله با اسرائیل با استراتژي امنیتی ایران در مقابل این رژیم قرابت زیادي دارد. در این صورت سرمایه گذاري بر روي آن حزب الله وبرقراري روابط با آن، که قوي ترین جنبش در مجاور مرزهاي اشغالی و در کنار آن می باشد، یکی از اصلی ترین ابزارهاي بازدارنده جمهوري اسلامی در برابر تهدیدات اسرائیل، آمریکا و هم پیمانان منطقه اي آن ها خواهد بود تاثیرپذیری آن از آموزه هاي انقلاب اسلامی ایران، در واقع از جمله موارد مهم در گرایش این حزب به استفاده از الگوي مقاومت و کاربرد روش هاي قهرآمیز بر ضد رژیم اسرائیل می باشد. حزب الله حامل همان ایدئولوژي بود که انقالب اسلامی ایران، پیام آور آن به محسوب می شود، یعنی تکیه به توان‌خویش جهت سرکوب دشمن. به همین سبب جمهوري اسلامی ایران، حزب الله لبنان را نوك پیکان مبارزه علیه اسرائیل به حساب آورده و حمایت معنوي از این گروه را در صدرسیاست هاي خویش بر مبنای اصل حمایت از مظلوم قرار داد(حقیقی و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۲-۵۱).**

**دگر هویت های بازیگران معارض در عراق، فلسطین، لبنان و یمن**

**عربستان سعودی**

**عراق: شکل گیری دولت جدید عراق از 2005 به رغم بیش از 800 کیلومتر مرز مشترك، تغییرات ژئوپلیتیکی و موازنه قواي منطقه اي به تشدید نگاه امنیت محور سیاست خارجی عربستان منجر شده است. بنابراین تاثیر مسائل عراق بر شیعیان داخلی عربستان و افزایش تنش منطقه ای با جمهوری اسلامی ایران، از مهمترین مسائل اثرگذار بر سیاست خارجی عربستان را تشکیل می دهند. در واقع عربستان هرگونه رشد جایکاه شیعیان را گسترش دامنه نفوذ ایران فرض می کند. (مرادی و همکاران ، ۱۳۹۶: ۲۰۵-۲۰۳). سیاست خارجی عربستان در عراق بر مبنای هویت عربی است بر این مبنا رشد شیعیان در عراق باعث برهم خوردن نظم عربی که بر هویت و فرهنگ سنی-عربی است منجر می شود در این راستا ریاض تلاش می کند تا دولت شیعی عراق را که از حمایت ایران بر خوردار است را به وسیله حمایت از گروه های سنی چون حزب اسلامی، شورای روحانیون، و شورای گفت‌وگوی ملی عراق به عنوان اهرام فشار استفاده نماید و از اقدامات دیگر عربستان علیه ایران کمک صدمیلیون دلاری به ایاد علاوی از سیاست مداران شیعه سکولار ضد ایرانی در انتخابات ۲۰۱۰ و حمایت از طارق الهاشمی رئیس سابق حزب اسلامی در جهت به کار گیری اکثریت سنی در بدنه دولت(مرادی و همکاران،۱۳۹۶: ۲۱۱-۲۱۰).**

**فلسطین: موضوع فلسطین از جمله موضوعاتی است که در جهان اسلام به یک موضوع مهم در سیاست خارجی کشورهای مسلمان مطرح می باشد از جمله موضوعات مورد اختلاف میان ایران و عربستان حمایت از گروه های مبارز فلسطینی می باشد . عربستان خود را در نقش يك مدافع تمام عيار اهل سنت تعريف كرده است و نسبت به كاهش نقش سني ها در كشورهاي منطقه حساس و نگران است. عربستان توانايي بر هم زدن بيشتر اوضاع در منطقه را از طريق حمايت از نيروهاي ضد شيعي دارا مي باشد. امري كه نیازمند حساسیت بیشتر جمهوري اسلامي می طلبد. دامنه نبردهاي نيابتي ايران و عربستان در خاورميانه در حال گسترش می باشد.فلسطين از جمله مناطقی می باشد كه گروه ها و جريانات طرفدار تهران و رياض در آنها رو به روي يكديگر قرار گرفته اند، در فلسطين ايران از حماس حمايت مي كند و عربستان از فتح(تفضلی،۱۳۹۳).**

**لبنان: عربستان** در لبنان پس از پایان جنگ داخلی دهه ۷۰، نفوذ خود از طریق رفیق حریری و سلفی‌ها تأمین نمود. پس از آنکه سوریه تحت فشارهای بین المللی نیروهای نظامی اش را از لبنان خارج کرد و اسرائیل از جنوب لبنان عقب‌نشینی نمود، در سال ۲۰۰۵ رفیق حریری ترور شد سپس جنگ تابستان ۲۰۰۶ اسرائیل و حزب الله بر اعتبار حزب الله و حامیان منطقه‌ایش یعنی ایران و سوریه افزود و همچنین سقوط کابینه سعد حریری، مجموعه این عوامل توازن درونی لبنان را به هزینه عربستان به نفع ایران تغییر داده بود. نفوذ سیاسی ایران در حوزه لبنان و فلسطین چالشی برای موقعیت پادشاهی سعودی در جهان اسلام محسوب می گردد (جانسیز و بهرامی، ۱۳۹۲: ۴۶). اتهام به ایران در جهت حمایت از تروریسم در منطقه به عنوان راهبرد ریاض به منظور مهار حزب‌الله و ایران به شمار می‌رفت. در این شرایط سعودی‌ها گروه‌های مقاومت مانند حزب الله لبنان را به عنوان جریانی تروریستی خطاب می‌کنند که در حمایت کامل ایران قرار دارد (اسدی، ۱۳۹۸: ۹۱). در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۹ لبنان، عربستان در جهت تضعیف قدرت شیعیان و موازنه علیه جمهوری اسلامی ایران به حمایت های مالی - سیاسی از ائتلاف ۱۴ مارس پرداخت. در نهایت دولت وحدت ملی با نخست وزیری سعد حریری فرزند رفیق حریری که از حمایت ریاض و غرب بهره‌مند بود با مشارکت حزب الله و جریان‌های همسو آغاز به کار کرد (ازغندی و آقاعلیخانی، ۱۳۹۲: ۲۳۸).

**یمن: عربستان سعودی از بازیگران معارض اصلی دگر هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در یمن است. از مهم‌ترین مسائل ارزشی و هنجاری در سیاست خارجی ریاض در یمن به مسئله شیعیان زیدی وحوثی هاست. عربستان بر اساس مولفه هویتی اسلامی- وهابی نمی تواند هیچ هویت دیگر و مخالف خود را در مناطق نفوذ خود تحمل نماید. عربستان‌سعودی به دو دلیل نسبت‌به این مسئله در یمن نگران است. اول به این دلیل که معتقد است جمهوری اسلامی به‌دنبال ایجاد لبنان دیگری در هم‌مرزی با عربستان است. و دوم ترس از تاثیرگذاری شیعیان یمن بر شیعیان کشور خودش است(تیموری و دیگران، 1395). به‌همین دلیل عربستان و متحدان این کشور در سال 2015 به یمن حمله کردند. از منظر مقامات دولتی و امنیتی عربستان سعودی تغییر ساختار قدرت در یمن همانند عراق موجب افزایش قدرت شیعیان و جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.**

**آمریکا**

**عراق: ایالات متحده آمریکا از جمله بازیگران فرامنطقه ای محسوب می شود که تلاش نموده است نقش بسزایی در مهار ایران در سطح منطقه‌ای داشته باشد از زمان سقوط صدام در عراق به وسیله این کشور جمهوری اسلامی از سوی این کشور جزء کشورهای خوانده شد که آمریکا آن‌ها را محور شرارت قلمداد می نمود.** از لحاظ ژئوپلیتیکی نیز نقطه اصلی تهدید ایالات متحده برای جمهوری اسلامی ایران به نوع حکومت آینده عراق و تلاش برای حداقل رساندن نقش ایران در این کشور مهم همسایه و مسلمان برمی‌گردد. تحولات سیاسی - امنیتی بعد از بحران عراق در سال ۲۰۰۳ و ظهور اولین دولت شیعی در جهان عرب نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران را گسترش داد و ایران به یک قدرت و بازیگر مهم منطقه‌ای تبدیل گشت. آمریکا تمامی سعی و کوشش خود را برای کاهش و به حداقل رساندن نقش و موقعیت ایران در عراق به کار گرفته بود. تلاش برای روی کار آوردن ایاد علاوی و گروه های سکولار و ملی مخالف ایران بعد از انتخابات پارلمانی مارس ۲۰۱۰ تنها یک نمونه بود(پهلوان منگودهی، ۱۴۰۰). تا ایالات متحده بتواند هویت شیعی که از پشتیبانی ایران برخودار بود را مهار نماید هم چنین ایالات **متحده با تاکید بر بازار آزاد و سکولاریسم و لیبرالیسم و ایجاد یک ائتلاف مبتنی بر این مفاهیم در عراق نموده و به این دلیل که مدل دموکراسی آمریکایی در عراق بر پایه سکولاریسم و ناسیونالیسم و لیبرالیسم خواهد بود جمهوری اسلامی را با تهدید می تواند مواجه نماید و هویت فرهنگی مورد تهدید قرار. می گیرد با توجه به مدل دموکراسی آمریکایی هویت اسلامی -ایرانی می تواند با تهدیدروبرو نماید(کریمی فیروزجایی و عبدالله پور، ۱۳۹۱: ۹۵).**

**فلسطین: فلسطین از جمله مسائلی است که برای آمریکا به دلیل ارتباط تنگاتنگ با امنیت رژیم صهیونیستی به مثابه شریک اصلی ایالات متحده در منطقه بسیار حائز اهمیت می باشد. در این بین ارتباط جنبش حماس با جمهوری اسلامی ایران و تقویت این جریان به لحاظ نظامی از سوی جمهوری اسلامی ایران و از جهت خطر بزرگی که برای امنیت رژیم اسرائیل دارد برای آمریکا اهمیت زیادی دارد، ایالات متحده سعی کرده است تا ارتباط و نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در این منطقه با تضعیف گروه‌های مبارز فلسطینی به ویژه حماس ، با کاهش روبرو نماید. با** پیروزی حماس در سال ۲۰۰۶ حکومت آمریکا مجموعه ای از سیاست ها را جهت بازداشتن حماس از حق نائل آمدن به حکومت مشروع در سرزمین های فلسطینی غزه و کرانه باختری دنبال نمود. تحریم های شدید اقتصادی توسط ایالات متحده و اروپا علیه حماس وضع شد. همچنین فتح را که در طول مبارزه انتخاباتی خود در برابر حماس ۲ میلیون دلار کمک ملی از آمریکا دریافت کرده بود، به انکار نتیجه پیروزی انتخاباتی حماس تشویق نمود(ایوب، ۱۳۹۴: ۵۶-۵۵). هم چنین سیاست ترور افراد شاخص این جریان با همکاری اسرائیل جهت تضعیف این جریان و قطع روابط فکری تسلیحاتی با ایران را در دستور کار قرار دادند.

**لبنان: حزب الله لبنان از بازیگران غیردولتی می باشد که متاثر از انقلاب اسلامی است مال لحاظ هویتی و فکری نزدیک به جمهوری اسلامی ایران می باشد و به دلیل ارتباطات گسترده با جمهوری اسلامی ایران در منطقه، ایالات متحده در جهت مهار قدرت و نفوذ حزب‌الله در لبنان به اعمال تحریم علیه این بازیگر غیر دولتی اقدام نمود. تحریم‌های اقتصادی علیه حزب‌الله لبنان به نحوی می باشد که علاوه بر اثر گذاری بر قابلیت‌های نظامی حزب‌الله، جامعه لبنان را نیز در بر گرفته و آنان را در مقابل دو گزینه قرار داده، یا از حمایت حزب الله دست بردارند و آنان را مجبور به تسلیم نمایند و یا اینکه تحریم‌های اقتصادی شدیدتر علیه لبنان اعمال خواهد گردید و با توجه به وضعیت نامطلوب و نامساعد لبنان تحریم‌های شدید اقتصادی برابر است با بی ثباتی اقتصادی بیشتر در لبنان و در پی آن زندگی معیشتی و رفاهی مردم را بیشتر درگیر خواهد نمود (ساسانیان، ۱۳۹۸). هدف اصلی سیاست ایالات متحده در مواجهه با حزب الله لبنان این می باشد که تا از قدرت و محبوبیت این بازیگر غیردولتی در لبنان و در منطقه کاهش پیدا کند و به دنبال آن نفوذ جمهوری اسلامی کاهش یابد؛ چون مسئولان آمریکایی از جایگاه بازدارندگی حزب الله برای امنیت جمهوری اسلامی در منطقه به‌خوبی مطلع هستند.**

**یمن:** ایالات متحد آمریکا نیز نسبت‌به هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه و یمن نگران بوده‌است. همین امر موجب شده، از سال آغاز حمله نظامی ریاض به یمن حمایت اطلاعاتی، لجستیکی و نظامی از نیروهای نظامی آل‌سعود و متحدان این کشور به عمل آورد(2018،Dalton&Hijab). افزون بر آن مقامات آمریکا حوثی های یمن را به فهرست تروریست‌ها اضافه نمود. حتی آنان را از ابراز تحریم علیه حوثی‌ها استفاده نمودند تا به نوعی این جنبش را تضعیف سازند. اسرائیل نیز همانند دو بازیگر مزبور نسبت‌به سیاست‌های هویتی ایران در منطقه و یمن نگران بوده‌است. حوثی ها نیز به‌مانند جمهوری اسلامی بر برائت از مشرکین و روز قدس، مبارزه علیه استکبار و رژیم صهیونیستی تاکید دارند. همین امر موجب شده تا آنان از نیروهای نظامی عربستان و متحدان این کشور حمایت نمایند. حتی آنان قصد داشتند ابراهیم بدرالدین‌الحوثی برادر رهبر انصارالله یمن را ترور کنند(ایرنا،1398).

**نتیجه گیری**

**با وقوع انقلاب اسلامی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی هویت جدیدی در منطقه ترسیم و تعریف شد. این هویت جدید برگرفته از دین اسلام و مذهب شیعه بود. به گونه‌ای که منابع هویتی شیعه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأثیر بسزایی گذاشت و موجب گسترش سیاست خارجی ایران در منطقه خاورمیانه شد. در این پژوهش از منظر چارچوب نظری سازه‌انگاری به هویت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چهار کشور عراق، فلسطین، لبنان و یمن بحث و بررسی شد. گفته شد حضور مسلمانان و شیعیان در چهار کشور و تحولات سیاسی در آن موجب افزایش حضور و نقش جمهوری اسلامی ایران شد. هویت ترسیم ‌و تعریف شده جمهوری اسلامی مدنظر جریانات اسلام گرا در کشور های عراق، فلسطین، لبنان و یمن گردید و در بیداری آنان تاثیرگذار بوده و از دل آنان جنبش های قدرتمندی چون حماس، حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و جریانات شیعه در عراق مانند حشه الشعبی شکل گرفته اند که هر کدامشان قدرت بالایی در کشورشان دارند و در برابر دگر هویت ها به مقاومت پرداخته اند. عربستان و آمریکا از دگر هویت های بازیگران معارض در عراق، فلسطین، لبنان و یمن هستند که مقابله با هویت اسلامی و انقلابی جمهوری اسلامی پرداخته اند. آنان در دهه های گذشته در صدد بوده اند تا جنبش های غیردولتی اسلام گرا متحد جمهوری اسلامی را مهار کنند.**

**منابع**

* ایوب، محمد، ۱۳۹۴، خاورمیانه از فروپاشی تا نظم یابی، ترجمه مهدی زیبایی و سجاد بهرامی مقدم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی.
* ایرنا، تحلیلگر صهیونسیت: اسرائیل در جنگ یمن به عربستان کمک می کند، 1394، قابل در دسترس:

Http://www.iran.ir/news/83451348

* اسمیت، استیو، هتفیلد، امیلیا، دان، تیم، ۱۳۹۱، سیاست خارجی نظریه ها، بازیگران و موارد مطالعاتی، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی و محسن محمودی و ایوب کریمی، تهران، نشر سمت.
* پهلوان منگودهی، میلاد، بنیان **های سیاست مهار منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه (۲۰۲۰-۲۰۰۳)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، زمستان،۱۴۰۰.**
* ترکی، هادی و ستوده آرانی، محمد، حزب‌الله به مثابه یک جنبش سیاسی- اجتماعی، دوفصلنامه علمی جامعه شناسی جهان اسلام، دوره هفتم، شماره دوم، پاییز، ۱۳۹۸، ۸۰-۵۷.
* تیموری، روح الله و عبدالله زاده، حسن و آگاه، محمد، تقابل سیاست خارجی ایران و عربستان در بحران یمن با روش سازه انگاری، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۵، شماره ۱۰، پاییز، ۱۳۹۵، ۹۸-۸۲.
* تفضلی، میلاد، بررسی روابط سیاسی ایران و عربستان طی سه دهه از انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳، قابل دسترس در: http://www.persiangulfstudies.com/fa/pages/806
* جانسیز، احمد و بهرامی، سجاد، رقابت منطقه ای ایران و عربستان در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره دوم، تابستان، ۱۳۹۲، ۵۴-۲۹.
* حقیقی، علی محمد و هاشم پور و پیروز، زارعی، غفار، هویت بخشی انقلاب اسلامی ایران به محور مقاومت اسلامی (مطالعه موردي: حزب الله لبنان)، فصلنامه تخصصی سپهر سیاست، سال هشتم، شماره بیست و هفتم،بهار ۱۴۰۰، ۶۴-۳۲.
* دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، ۱۳۹۵، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
* دانش نیا، فرهاد، سازه انگاری الکساندر ونت:امتناع از گذار بن بست های تئوریک روابط بین الملل و دست یابی به راهی میانه، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، شماره دوم، تابستان، ۱۳۹۴ ۷۴-۴۹.
* رمضانی، روح الله،۱۳۸۰، چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات نی.
* ساسانیان، سعید، آمریکا و حزب الله لبنان؛ مقبولیت، تحریم، بازدارندگی، اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۸.
* **سازمند، بهاره، بازشناسی زمینه های هویتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ رهیافتی سازه انگارانه، فصلنامه مطالعات ملی، سال سیزدهم، شماره ۲، تابستان، ۱۳۹۱، ۷۲-۵۲.**
* **صادقی، شمس الدین، انقلاب اسلامی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، پاییز، شماره ۳۸، پاییز، ۱۳۹۳، ۴۶-۲۵.**
* فتاحی، شهرام و ازغندی، سید علیرضا و طاهری ابوالقاسم، بررسی ارتباط بین گرایش های هویتی اجتماعی در عراق جدید و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال ۱۱، شماره ۱، بهار، ۱۳۹۶ ۶۸-۳۵.
* **فوزی، یحیی و بخشی، عباس علی، «وجه اشتراک و افتراق اندیشه سیاسی جنبش حماس با اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۷، بهار، ۱۳۹۵، ۱۲۲-۹۹.**
* قهرمان پور، رحمن ۱۳۹۴، هویت و سیاست خارجی در ایران و خاورمیانه، تهران: انتشارات روزنه.
* کریمی فیروزجایی، حسینعلی و عبدالله پور، محمد رضا، سازه های ژئوپلیتیکی در عراق نوین و چالش های پیش روی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره شانزدهم، تابستان، ۱۳۹۱، ۹۹-۷۷.
* مرادی کلارده، سجاد و روحی دهبنه، مجید، سیمبر، رضا، انگاره های هویتی و تبیین سیاست خارجی عربستان درقبال عراق، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان، ۱۳۹۶، ۲۲۳-۱۹۷.
* معینی علمداری، جهانگیر و راسخی، عبداله، روش شناسی سازه انگاری در حوزه روابط بین‌الملل، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره چهارم، پاییز، ۲۱۴-۱۸۳.
* متقی، ابراهیم و کاظمی، حجت، سازه انگار، هویت ، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،فصلنامه سیاست ، مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی، دوره سی و هفتم، شماره چهار، زمستان، ۲۳۷-۲۰۹.
* **یاقوتی، محمد مهدی، تحلیل سیاست خارجی و هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۱ ، بهار، ۱۳۹۰، ۲۸-۱.**
* Ataie, Mohamad. (2021).Continuity Despite Revolution: Irans Support for Non State Actors, Crown Center for Middle East Studies.
* Darvishi, Setalani and Vatankhah. (2018). A Study Of The Islamic Relublic Of Iran; Policy Toward New Iraq (2003-2015), Geopolitic Quarterly, Vol, 13 , No. 4, Winer, Pp 1-19.
* Dalton, Melize and shah Hjiab. (2018). “U.S Support For Saudi Military Operations In Yemen”, Center For Strattegic And International Studies (CSIS).
* Gimene cerioli, Luiza. (2018). “Roles And International Behaviour: Saudi Iranian Rivaalry In Bahrain And Yemen Arab Spring” Contexto International, Vol, 40(2), Maylaug.
* Hernandez , Lvo and Shawn Donnelly. (2020).“Yemen a possible Strategic Stage for the Rivairly Between Saudi Arabia and Iran Since 2015”, Anastasie Odile Camille Danset.
* Haghi, Moslem, and mohammad Yousefi Joybari and Ehsan Shakeri Khoee. (2019).Iraqs Identiti Crisis And Irwn Foregin Policy Orietation , Iranian Review Of Foregin Affirs, Vol. 10, No. 2 , Pp 157-182.
* Huwaidin, Mohamed Bin.(2015). The Security Dilemma in saudi - Iranian Relations, Review of History and Political Science, December 2015, Vol. 3, No. 2. pp 67- 79.
* **Thomson, Amy. (2012). Iran and Hamas Principal - Agent Relationship, At Massey University, Turitea Newzealand.**
* Wicaksana, I . G. .Wahyu. (2009). The Constractivist Approach Towards Foreign Policy Analyis Abstrak, Journal Of Sicial Sciences, Vol, 1, No 1.

Identity of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the Middle East (Iraq, Palestine, Lebanon and Yemen)

|  |  |
| --- | --- |
| **Milad Pahlavan Mongodhi**[[1]](#footnote-2)  Master Of International Relations, University Of Guilan    Miladpahlavan75@gmail.com | **Hassan Bazdar**  Master's Student Of International Relations, University Of Guilan  h.bazdar2014@gmail.com |
|  | |

## **Abstract**

with the occurrence of the islamic revolution, iran's foreign policy paradigm changed from a conservative monarchical regime to a revolutionary republic with the ideology of shiite islam. from the very beginning of its work in the region, the regime of the islamic republic had drawn the principles of its foreign policy based on a series of islamic beliefs and values. one of the declared principles of the foreign policy of the islamic republic of iran has been the rejection of domination and support for the oppressed and muslims, which is based on shiite and islamic values. in these foreign policy principles, the position of muslims and shiites in the region and their and unfavorable situation is of great importance for iran. objective: to investigate and analyze the impact of shia identity sources in the foreign policy apparatus of the islamic republic of iran in the middle east, especially in the four countries of iraq, palestine, lebanon and yemen. methodology: to investigate the research, the theoretical framework of alexander wendt's constructivism and the descriptive-analytical method and data collection were used in the library and internet. finding: islamic and shiite identity has played a significant role in giving identity to islamic movements in iraq, palestine, lebanon and yemen. result: the islamic and shia identity of iran has faced other identities of the opposing actors of america and saudi arabia in the above four countries.

## **Keywords**: Identity, Islamic Republic of Iran, Middle East, constructivism

1. 1-Corresponding Author [↑](#footnote-ref-2)